

ما مدعی هستیم!

روزنامه‌ها به کلی ماچرا را سانسور کردند و دم بر نیاوردند که چرا باید عده‌ای هرزه بتوانند در خیابان‌های شهر جولان بدهند و ضمن مزاحمت برای نوامیس مردم، قداره‌کشی کرده و به جوانان مردم آسیب برسانند. روزنامه‌های اصلاح طلب و ضد انقلاب هرگز حتی برای شهدای دفاع مقدس هم دا نسوزاندند تا چه

■ امت حزب الله هزار و چهارصد سال است که برای غربت یک زن در کوچه‌های مدینه گریه می‌کند؛ برای اسیری یک زن در میان لشکر دشمن در صحرای کربلا ضجه می‌زند و اساساً این امت حزب الله هستند که برای زن حرمت فائل‌اند و معنای ناموس را می‌فهمند

رسد به جوانان حزب اللهی که در کوچه و خیابان‌های این شهر مقابل مفاسد آنان ایستادگی می‌کنند.

اما ماجرای اسیدپاشی به چهره امت حزب الله و انقلاب اسلامی محدود به همین مورد نمی‌شود. در تاریخ انقلاب از ترور شخصیت و تخریب زیاد خوانده بودم؛ اما پنج سال پیش اولین بار بود که از عمق وجود، کینه ضد انقلاب از انقلاب اسلامی را درک کردم و تیزی پنجه آنان را بر چهره گلگون انقلابمان چشیدم. سال ۸۸ همین جماعت منافق به هر دروغی متوسل شدند تا شاید بتوانند مردم را به نظام بدبین کنند. به ادعای دروغین تقلب در انتخابات و... نمی‌پردازم، اما ماجرای اسیدپاشی به چهره دختران اصفهانی به شدت مرا یاد قتل «ندا آقاسلطان» می‌اندازد. همیشه باید یک «زن» قربانی شود تا احساسات دینی

مسئله‌ای که در چند روز اخیر به شدت مورد توجه رسانه‌ها و به تبع آن، افکار عمومی قرار گرفته است؛ مسئله اسیدپاشی در اصفهان است. اسیدپاشی جنایتی است که متأسفانه در جامعه ما هر از چندگاهی رخ می‌دهد و اگر کسی صفحه روزنامه‌ها در چند ماه اخیر بررسی کند، متوجه می‌شود که این جنایت بارها و بارها رخ داده و هر بار چهره یکی از فرزندان این مملکت را زخمی کرده و هرگز به تیتیریک هیچ رسانه‌ای تبدیل نشده است. سوال این است که چرا این بار این جنایت به این شدت و حجم مورد توجه رسانه‌ها قرار گرفته و پشت پرده اسیدپاشی چه کسانی قرار دارند؟

خلاصه ماجرا این است که همزمان با بررسی طرح «حمایت از آمران به معروف و ناهیان از منکر» در مجلس شورای اسلامی، به یکباره به صورت ۵ دختر اصفهانی اسید پاشیده شد و در اقدامی کاملاً تصادفی و از پیش هماهنگ نشده(!) رسانه‌های اصلاح طلب و بی بی سی و ضد انقلاب به پوشش وسیع آن پرداختند و اندکی بعد به این نتیجه رسیدند که امت حزب الله و فراتر از آن نظام اسلامی، مسئول این جنایت هستند و رطب و یابس را به هم بافتند تا به صورت امت حزب الله و نظام اسلامی اسید بپاشند و چهره و زیبایی و نورانی آن را با اسید شایعه و دروغ و تهمت خدشه دار کنند.

رژست انسان دوستی و حمایت از مردم ایران ابداً به این جماعت دروغ گو و فتنه گر نمی آید. زمانی که تعدادی از آمران به معروف مورد حمله اراذل و اوباش و مفسدین قرار گرفتند و چشمان برخی شان کاملاً تخلیه شد و یک شان به شهادت رسید؛ همین

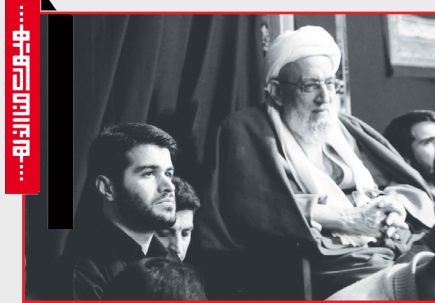
مردم جریحه‌دار شود و متدینین از نظام فاصله بگیرند. امت حزب الله هزار و چهارصد سال است که برای غربت یک زن در کوچه‌های مدینه گریه می‌کند؛ برای اسیری یک زن در میان لشکر دشمن در صحرای کربلا ضجه می‌زند و اساساً این امت حزب الله هستند که برای زن حرمت قائل‌اند و معنای ناموس را می‌فهمند والا آنان که برای مقابله با نظام اسلامی، دختران را به برهنگی و «آزادی‌های یواشکی» دعوت می‌کنند، مگر از زن چیزی جز شهوت می‌فهمند و قیمتی بیش از آن برای این «بحانه» قائل‌اند؟

یقین دارم که اسیدپاشان از همان کسی دستور می‌گیرند که «اکبر پونز» دستور می‌گیرد و یقیناً آنان نیز پس از مدتی به آغوش همان غربی پناه می‌برند که اکبر گنجی پناه برده: غرب وحشه.

خوب است به کسانی که اسید
به چهره نظام می‌پاشند یادآوری
کنم که شما همان‌هایی هستید
که در خیابان‌های تهران، پنج
بسیجی را زنده زنده آتش زدید
که جز یکی‌شان، همگی به شهادت
رسیدند و آیا کسی در تمام عالم
چنانیتی بزرگ‌تر از این سراغ دارد؟
آیا سکوت و نجابت ما در برابر این
جنایات، به جای آن‌که وادارتان کند
کمی حیا کنید، شما را گستاخ‌تر
کرده؟ آیا فکر می‌کنید سوابق سیاه
شما در دولت اصلاحات در قتل‌های
زنجیره‌ای و تصفیه‌های درون گروهی
و برون گروهی‌تان از اذهان عمومی
پاک شده که چنین بی‌پروا و با
دروغی به جان امت حزب الله
افتاده‌اید؟ آیا وقت آن نرسیده لباس
دروغ و تزویر را از تن به در کرده
و دست از جریحه‌دار کردن افکار
عمومی دست بردارید؟

صندلی خالی...

و دوباره محرم از راه رسید. شب اول محرم هم که صفای خودش را دارد. بالاخره شب اول دروازه‌ی ورود ما به دهه‌ی عشق و جنون است. اما... حیف که امسال محرم برای ما که زیر خیمه‌ی حسین علیه‌السلام هستیم، یک چیز کم دارد. امسال شروع محرم برای ما اهالی هیأت میثاق با شهدا متفاوت است. تفاوتی از جنس از دست دادن عزیزی... تفاوتی از جنس نبود بزرگمان... امسال ما جای خالی بزرگی را در جمع خود حس می‌کنیم. بزرگی که خود دلدادگی حسین علیه‌السلام بود و به ما نیز درس دلدادگی داد. او که می‌گفت: «در ایام محرم، عزاداری سیدالشهدا علیه‌السلام را سبک نשמاید.» او که به ما آموخت: «نام امام حسین علیه‌السلام به ما عزت بخشیده است و انقلاب ما در راستای قیام ابا عبدالله علیه‌السلام است.» امسال شب اول محرم برای ما فرق دارد، چون بزرگ ما نیست که به مجلس ما صفا دهد. هر سال شب اول محرم استاد اخلاق و بزرگ ما، در میان ما حاضر می‌شد... اما امسال شب اول برایمان جور دیگریست، چون صندلی استاد و بزرگ ما خالی است و او در میان ما نیست تا بر آن بنشیند. اما او با منش خود درس‌ها به ما آموخت. به ما یاد داد می‌توان هم سیاست‌مداری با اخلاق بود و هم عالمی بصیر. با این حسرت چه کنیم که امسال ایشان در میان ما نیست. ما عادت کرده‌ایم که شب اول محرم منتظر حضور ایشان در مجلس روضه باشیم... حضرت آیت الله مهدوی کنی امشب به مجلس ما سری بزن... دلمان برایت تنگ است...



ملت باید
بیدار
باشد!

من فکر نمی‌کنم از این مذاکرات آن نتیجه‌ای را که ملت ایران انتظار دارد، به دست بیاید، لکن تجربه‌ای است و پشتوانه‌ی تجربی ملت ایران را افزایش خواهد داد و تقویت خواهد کرد؛ ایرادی ندارد اما لازم است ملت بیدار باشد. بدانند چه اتفاقی دارد می‌افتد تا بعضی از تبلیغاتچی‌های موجب‌بگیر دشمن و بعضی از تبلیغاتچی‌های بی‌مزد و موجب- از روی ساده‌لوحی- نتوانند افکار عمومی را گمراه کنند. (رهبر معظم انقلاب ۹۲/۸/۱۲)

مذاکره یا دعوای عابر و سارق؟!

مذاکره دو کارکرد اساسی دارد:

۱- رفع سوء تفاهم

۲- معامله

راجع به معامله مثالی می‌زنم.
ما الآن می‌خواهیم گازمان را
به پاکستان و هند صادر کنیم؛
می‌رویم با هندی‌ها و پاکستانی‌ها
مذاکره می‌کنیم تا به توافق



برسیم. این‌جا عنوان مذاکره و توافق کاملاً درست است؛ چون یک بحث پایاپای و خرید و فروش است؛ اما نکته در این است که بخش زیادی از مسائلی که بین ما و کشورهای غربی وجود دارد، رابطه خرید و فروشی نیست، رابطه «ظالم و مظلوم» است و رابطه «عابر و سارق» است. گفتگوهای عابر و سارق و مشاجراتشان اسمش مذاکره نیست، بلکه کوتاه آمدن عابر زیر فشار سارق است؛ موافقتنامه نیست. ولی ما عنوان مناسبی برایش تولید نکردیم. مسئله هسته‌ای ما مسئله خریدار و فروشنده نیست که یک آقایی برگردد آن طور به دیگری بگوید تو مذاکره بلد نیستی! آنجا رفته‌ای بیانیه می‌خوانی؛ خب معلوم است که تو بخواهی لیوان بفروشی آن بگوید ۱۰۰ تومان و تو بگویی ۲۰۰ تومان، توافق حاصل نمی‌شود. می‌گوییم آقا! خرید و فروشی در

السَّامِعُ عَلَى الْحَسَنِ وَعَلَى الْإِبْرَاهِيمَ وَالْحُسَيْنِ وَالْأَسَدَ عَلَى الْحَسَنِ وَعَلَى الْإِبْرَاهِيمَ وَالْحُسَيْنِ وَعَلَى الْأَحْمَدَ الْحَسَنَ

عاشورا تکرار شدنی است! (۱)

از حکومت نبوی تا عاشورا، از انقلاب اسلامی تا....

همیشه در ابتدای هر نهضتی خلوص بیشتری وجود دارد. روحیات مردم در ابتدای هر نهضت خالص‌تر، و نیت آن‌ها پاک‌تر است. در نهضت پیامبر اکرم (ص) نیز همین‌گونه است. مردم زمان رسول الله (ص) همیشه در طول تاریخ زبانزد بوده‌اند. امام خمینی (ره) وقتی می‌خواهد عظمت مردم ایران را بیان کند، آن‌ها را با مردم زمان رسول الله مقایسه می‌کند و مردم ایران را برتر از آن‌ها می‌داند. این یکی از معجزات پیامبر (ص) بود که عرب جاهلی را از حضيض ذلت به چنین جایگاهی رساند. چنین جامعه‌ای بعد از تشکیل حکومت به وجود آمد. پیامبر (ص) در طول ده سال حکومت

خود همواره سعی می‌کرد مردم را درست برخلاف خصوصیات که با آن بزرگ شده‌اند، تربیت کند. ایشان به طور کلی چهار خط اصلی را برای تربیت مردم دنبال کرد: «معرفت شفاف و بی‌ابهام»، «عدالت مطلق»، «عبودیت کامل» و «عشق و عاطفه جوشان». جامعه نبوی براساس این خطوط بنا شد. در چنین جامعه‌ای اهل بیت پیامبر

اما پنجاه سال بعد این اتفاق افتاد و چنین جنایتی به دست جامعه تربیت شده پیامبر (ص) رخ داد. تا به حال به این فکر کرده‌اید که دقیقا چه شد که این‌گونه شد؟ چه تضمینی وجود دارد که انقلاب اسلامی ما دچار چنین بلایی نشود؟ راه پیشگیری و درمان آن چیست؟

(ص) جایگاه ویژه‌ای داشتند و در نهایت احترام بودند. پیامبراعظم (ص) دختری داشت که مردم می‌دانستند خشم و رضایش، خشم و رضای خداست؛ داماد و برادری داشت از همه با ایمان‌تر و شجاع‌تر، که بن‌بست‌ها را می‌شکست؛ و نوادگانی داشت که در کودکی آن‌ها را «سرور جوانان بهشت» خطاب می‌کرد؛ یعنی در دوران کودکی در حد یک جوان می‌فهمیدند و عمل می‌کردند.

یکی از آن‌ها، امام حسین (ع) بود که اگر آن روز کسی می‌گفت این کودک به دست امت همین پیامبر (ص) بدون هیچ گونه جرم و تخلفی کشته خواهد شد، برای مردم غیرقابل باور بود.

همچنان که پیامبر (ص) فرمود و گریه کرد و همه تعجب کردند که مگر می‌شود؟

اما پنجاه سال بعد این اتفاق افتاد و چنین جنایتی به دست جامعه تربیت شده پیامبر (ص) رخ داد. تا به حال به این فکر کرده‌اید که دقیقاً چه شد که این‌گونه شد؟ چه تضمینی وجود دارد که انقلاب اسلامی ما دچار چنین بلایی نشود؟ راه پیشگیری و درمان آن چیست؟

جواب را باید در همان چهار خط اصلی که پیامبر جامعه را بر آن بنا کرده بود جستجو کرد. جابه‌جا شدن این چهار عامل منجر به حادثه کربلا شد. اما چگونه؟ ما برآنیم در این سلسله یادداشت‌ها این موضوع را از زمان پیامبر (ص) تا شهادت امام حسین (ع) تبیین کنیم و بعد، آن را با انقلاب اسلامی تطبیق داده و به دنبال راه چاره باشیم.

نی نفع و با ضرر

رابطه با آمریکا و مذاکره با این کشور به جز در موارد خاصی برای جمهوری اسلامی نه تنها هیچ نفعی ندارد بلکه ضرر هم دارد

کدام عاقلی است که دنبال کار بی منفعت برود؟!

مهر

مذاکره به سبک کربلا!

حسین نما

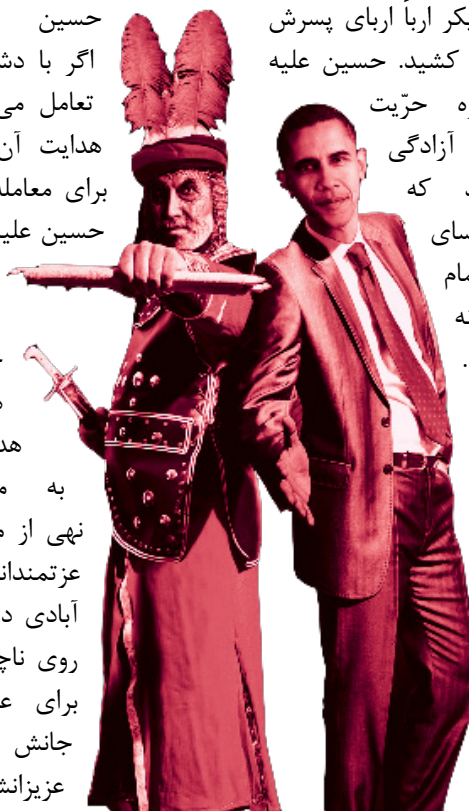
شجاعت است، شجاعتی مردانه در برابر تمام سیاهی‌ها، تا آنجایی که از تمام دنیایش می‌گذرد. حسین علیه‌السلام اسوه عزت است؛ عزتی که برایش پیکر اربابا اربای پسرش را در آغوش کشید. حسین علیه السلام جلوه حریت است؛ این آزادگی حسین بود که صدای رسای او را در تمام تاریخ جاودانه ساخت. حسین علیه‌السلام برای اصلاح قیام کرد؛ آری، اصلاح زنگارهای نشسته بر قلوب امت جد

باز کشتی نجات حسین علیه‌السلام آمده است تا ما را از طوفان نجات دهد، اما هنوز به زمین دلبسته‌ایم؛ هنوز رنگ و بوییش را به خود نگرفته‌ایم، شاید نامی از او لق لقه‌ی زبانمان باشد و به روضه‌هایش عادت کرده باشیم، اما قله کوه را از تکه چوبی بر آب محکم‌تر می‌پنداریم. پشت به او می‌کنیم و به سمت قله می‌رویم اما... مشعل هدایت حسین علیه‌السلام راه را می‌نماید اما امان از چشم‌های زنگار گرفته امان از چشم‌هایی که اشک‌هایش بر او نیز ما را بر سبیل حسین به حرکت در نمی‌آورد. ما را چه شده است؛ حسین علیه‌السلام با همه نزدیک‌تر شدنش به ظاهر، قرن‌ها از او فاصله گرفته‌ایم. نزدیک شدن به حسین قرب صفات می‌خواهد. هر چه خصائلش را بشناسیم و بدان نزدیک‌تر شویم حسینی‌تر می‌شویم.

نمود؛ از علی شش ماهه‌اش تا جوان تنومندش. حسین علیه‌السلام در مقابل نتندخوبی‌ها و گزافه‌گویی‌های دشمنش لبخند نمی‌زد. حسین غیرت الهی خود را در برابر هر تهدیدی نمایش می‌داد. سید الشهداء اگر از جفای مردم در حق خود می‌گذشت اما هرگز از اصول اسلام ذره‌ای عقب‌نشینی نمی‌نمود. عباس سلام‌الله‌علیه در مقابل امان‌نامه اشقیاء، دشمن را از خود نا امید کرد نه آنکه دست به سمتشان دراز کند. همین بود که عباس توانست بر سفینه النجاء حسین علیه‌السلام نشیند و به سعادت رسد اما ما به سمت کدخدا رفتیم و ... از حسین بیاموزید؛ آری بیاموزید شجاعت مقابله با کفر را، مقاومت در برابر هجمه‌های ظالمان را، صیانت از ارزش‌های اسلام را و عزت در رویارویی با طاغوت را. حسین علیه‌السلام قابل تحریف نیست. او خورشید است و که را توان خاموش کردن خورشید است.

بزرگوارش. او هدفش امر به معروف و نهی از منکر بود و به ما آموخت نه تنها در مقابل هیچ ظلمی ذره‌ای کوتاه نیاییم و در مقابل آن مقاومت کنیم، بلکه برای اصلاح در مقابل هر انحراف آشکاری قیام نمائیم تا عزت اسلام پیش پای طاغوتیان لگد مال نگردد.

حسین علیه‌السلام اگر با دشمنان خود تعامل می‌نمود برای هدایت آن‌ها بود نه برای معامله با ایشان. حسین علیه‌السلام اگر به سمت مذاکره با جبهه باطل هم می‌رفت هدفش امر به معروف و نهی از منکر بود و عزتمندانه نه برای آبادی دنیایش و از روی ناچاری که او برای عزت اسلام جانش و تمام عزیزانش را فدا



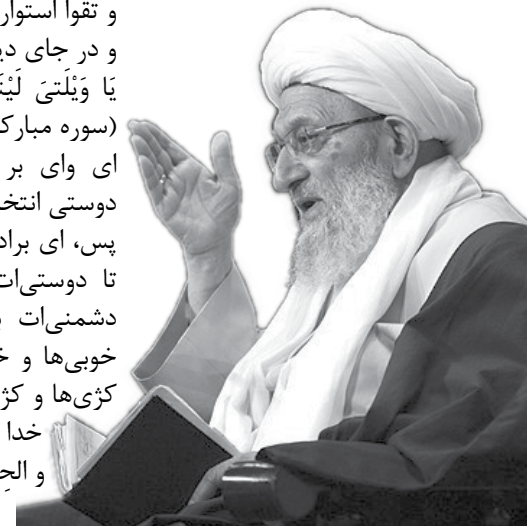
پای درس استاد

درس اول

«الهی تَوْفَنی مُسْلِماً و الْحَقَنی بِالصَّالِحِینَ»

خدایا مرا مسلمان از دنیا ببر و به صالحان ملحق کن!

اگر دوستی و دشمنی به خاطر خدا نباشد پایدار نیست و به زودی به ضدش تبدیل می شود و باید دانست



که این گونه دوستی ها موجب خسران ابداً خواهد شد و خداوند متعال می فرماید این گونه دوستان در روز قیامت بر یکدیگر لعن می فرستند و از یکدیگر تبری می جویند و اظهار می دارند، ای کاش با فلانی دوست نمی شدیم:

الأخلاء یَوْمَئِذٍ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ إِلَّا الْمُتَّقِینَ (سوره مبارکه زحرف/آیه ۶۷)

دوستان امروزی در آن روز با یکدیگر دشمن می شوند مگر آن ها که دارای تقوا باشند (و دوستی شان بر پایه ایمان و تقوا استوار باشد).

و در جای دیگر می فرماید: یَا وَیْلَتَی لَیْتَنی لَمْ أَتَخَذْ فُلَانًا خَلِیلًا (سوره مبارکه فرقان/آیه ۲۸)

ای وای بر من! کاش فلانی را به دوستی انتخاب نمی کردم!!!

پس، ای برادر و خواهر ایمانی، بکوش تا دوستیات همواره در راه خدا و دشمنیات برای او باشد و همیشه خوبی ها و خوبان را دوست بدار و با کژی ها و کژمداران در ستیز باش و از خدا بخواه: (الهی تَوْفَنی مُسْلِماً و الْحَقَنی بِالصَّالِحِینَ)

توضیح المسائل عزاداری

بایدها و نبایدهای عزاداری از نگاه رهبر معظم انقلاب

باشد که معلوم باشد عزادار هست و این لباس مشکی پوشیدن عزادار هنگام سوگواری امام حسین علیه السلام و ائمه بزرگوار، امروزه نشانه این هست که طرف می خواهد نشان دهد من عزادار هستم. بنابراین حکم کراهت را ندارد. بنابراین اگر کسی نذر کرده باشد با شرایط

نذر شرعی، طبق نذرش هم اگر بتواند باید عمل کند. اما توجه داشته باشید به هر حال عزادار بودن شیوه های مختلفی دارد. حالا ممکن



است با پوشیدن لباس مشکی باشد یا با پرهیز از افعال و کارهای شاد یا با گریه کردن و گریستن و شیوه های مختلف دیگر. به هر حال ما امیدوار هستیم بتوانیم این حالت عزاداری را در این ایام سوگواری مراعات کنیم.

آیا پوشیدن لباس مشکی در ایام عزای سید و سالار شهیدان اباعبدالله حسین علیه السلام کراهت ندارد؟ با توجه به حکم کلی که پوشیدن لباس سیاه کراهت دارد و در نماز نیز مکروه است. و اگر کسی نذر کرده باشد آیا نذر او صحیح است؟

ما یک حکم کلی داریم در خصوص پوشیدن لباس تیره مشکی که کراهت دارد و نماز خواندن با آن هم ثواب نماز را کم

می کند؛ این فتوای حضرت آقا هم هست. اما تبصره هم دارد نسبت به عبا، عمامه و کفش استشنا شده و اگر مشکی باشد کراهت ندارد. و همچنین یک حکم کلی نسبت به عزادار داریم که صاحب عزا خوب است به گونه ای



اهل کوفه نبودن
یعنی بدانیم
تا حسین
علیه السلام
نیامده، ولی امر
مسلم است.



و آنگاه که
حسین بن علی
را به قتلگاه
می فرستیم...

در «حیات عاشورایی»، ویژه نامه حیات میثاق با شهدا بسیج دانشجویی دانشگاه امام صادق علیه السلام خواهید خواند:

برای یک حسینی واقعی حضور در مجلس اباعبدالله، مقدمه ای است برای تلاش در میدان اعتقاد و ترویج گفتمان حسینی. چگونه می خواهیم جوابگوی این سوال باشیم که در حیات حسین علیه السلام رفت و آمد داشتیم اما حرف حسین علیه السلام بر زمین مانده بود و تو تنها آه و اشک چهارده قرن پیش را می ریختی!

دیگر پس از سی سال عبور از انقلاب اسلامی و گسترش مجالس ابا عبدالله

قابل قبول نیست که در حیات طوری بگوییم و بشنویم، اما در جامعه و در عمل سازگاری با چنین معارفی نداشته باشیم، آنجا است که پس از چهارده قرن همچنان حسین علیه السلام را به مسلخ کربلا خواهیم کشاند! «اگر کسانی برای حفظ جان شان، راه خدا را ترک کنند و آنجا که باید حق بگویند، نگویند، چون جان شان به خطر می افتد، یا برای مقام شان یا برای شغل شان یا برای پول شان یا محبت به اولاد، خانواده و نزدیکان و دوستان شان، راه خدا را رها کنند، آن وقت حسین بن علی ها به مسلخ کربلا خواهند رفت و به قتلگاه کشیده خواهند شد.»

روزنگار هیئت میثاق با شهدا؛ فتح

ماهنامه فرهنگی-سیاسی حیات | بسیج دانشجویی دانشگاه امام صادق علیه السلام

مدیرمسئول: سید محمدحسین هاشمی گلپایگانی / جانشین مدیرمسئول: محمدحسن فیضی پور/ سردبیر: سید محمدحسین ضیایی بافتی

تحریریه: عبدالحمید بیات، سید جواد یوسفی، مجید صادقی، علی خورشیدی، محمد اصغری

تدارکات و پشتیبانی: صادق ابراهیمی/ طراحی و صفحه آرایی: علی سلیمانی

پایگاه اطلاع رسانی بسیج دانشجویی دانشگاه امام صادق علیه السلام

www.basijisu.ir

hayat.basijisu.com

hayatmag.isu@gmail.com

misaq.basijisu.ir

تارهای ماهنامه فرهنگی-سیاسی حیات

رایانامه حیات

پایگاه اطلاع رسانی هیئت میثاق با شهدا